

منطق داستانی بعضی از اتفاقات سریال «گاندو»، دچار اشکال جدی است. مثلاً پرده پنجره‌های خانه مایکل به عنوان یک جاسوس، همیشه باز بود تا نیروهای امنیتی روی این خانه مسلط شوند. در موارد دیگر هم گاهی تکنیک‌های به‌کاررفته توسط نیروهای امنیتی و جاسوسان منطقی نبود.



بیانیه و شعار جای سرگرمی

سریال گاندو، به خاطر دست گذاشتن روی پرورده‌های حساس اقتصادی، سیاسی، جاسوسی و... توانست خیلی زود توجه‌ها به خودش جلب کند. البته این وسط نباید سهم شبکه‌های اجتماعی و تلاش عوامل سریال را برای پربازدید کردن ویدئوهای یک دقیقه‌ای آن در فضای مجازی نادیده گرفت. گاندو پای افراد و چهره‌های شناخته‌شده را در زمینه پرورده‌های فساد مالی و جاسوسی به میان کشید و تا پای تاختن به دولت و نزدیکان آن هم پیش رفت. خوب، طبیعی بود با این شرایط بتواند توجه بخرد و مخاطبان را برای شنیدن نام‌ها و اطلاعات دیگر مشتاق کند.

مرجان فاطمی
روزنامه‌نگار

با تمام حواشی و اعتراض‌ها و مصاحبه‌ها و... تلاش عوامل گاندو بی‌نتیجه نماند و سریال بالاخره دیده شد و اتفاقا موج زیادی هم در جامعه به راه انداخت، اما مساله اینجاست که آیا واقعا می‌توانیم گاندو را یک سریال تلویزیونی برای مخاطبان شبکه سوم سیما بنامیم؟ این سوال ربطی به محتوای سریال و تردید در صداقت یا عدم صداقت آنچه در پرورده‌های مختلف امنیتی مطرح شد و موضعگیری‌های مختلفی که در قبال آن صورت گرفت ندارد. آنچه درباره یک سریال تلویزیونی اهمیت پیدا می‌کند، رسالتی است که به عهده‌اش است. این‌که مدیران شبکه سه با همکاری موسسه شهید آوینی ترجیح داده‌اند درباره یک سری از پرورده‌های امنیتی کشور سریال بسازند و برخی موارد پشت پرده را فاش کنند، می‌تواند در وهله اول، اتفاق مثبتی باشد. به هر حال آگاهی بخشی در هر زمینه‌ای قابل تامل است، اما آیا این آگاهی بخشی نیاز به قالبی مناسب و جذاب ندارد؟

مخاطبان شبکه سه حتی اگر علاقه‌ای هم به سیاست نداشته باشند باز هم خواسته و ناخواسته در طول روز، در معرض اخبار و اطلاعات مختلف قرار می‌گیرند. هر روز از صبح در شبکه‌های اجتماعی با این اخبار مواجهند و شب‌ها هم در چند نوبت، اخبار سیاسی و تحلیل‌های مختلف به گوش‌شان می‌رسد. آیا باز هم برای‌شان جذاب است در یک سریال تلویزیونی، بیانیه‌های سیاسی و دیالوگ‌های طولانی به منظور آگاهی بخشی بشنوند؟ وقتی خسته از کار روزانه پای تماشای یک سریال می‌نشینند، اولین انتظارشان این است که در وهله اول سرگرم شوند. حتی اگر قرار است سریال مورد نظر درباره مسائل مهم جامعه صحبت به میان بیاورد، انتظار دارند این مسائل مهم سیاسی و اقتصادی را در قالبی کاملاً دراماتیزه شده ببینند و خیلی راحت‌تر از بیانیه‌ها و تحلیل‌های سیاسی بتوانند آنها را درک کنند. اما سریال گاندو، ساعت ۹ شب چه چیزی در اختیارشان قرار می‌دهد؟

مخاطبانی که دنبال سرگرمی هستند، سر سفره شام، دیالوگ‌هایی از این دست می‌شنوند: «اقتدار ما به سود هیچ کشوری نیست. هدف آمریکا براندازی حکومت و مهم‌ترین اهرم‌شون هم چیه؟ تحریم. چیزی که دنبال‌ش نهضت گرسنه‌هاست. توی آمریکا بیشتر از همه اون سناتور تام کاتن و مایکل دی انریا به این امید بستن. یا پیش‌بینی ما اینکه اگه حکومت به هر دلیلی درباره انرژی هسته‌ای کوتاه بیاد اون‌ها بلافاصله توانمندی دیگه مارو با معیشت مردم گره می‌زنند و بلافاصله و بدون تردید سناریوی موشکی - معیشتی رو مطرح می‌کنند. یا سکون در بازار مسکن و افزایش نقدینگی بی‌پشتوانه در دست مردم باعث ایجاد تورم و حشتناک شده. یا حکومت ایران داره تلاش میکنه با تکیه بر توان دانشمندان جوان ایرانی، صنایع خودش رو پیشرفت بده و اگر بتونه صنعتش رو مدیریت کنه جهش بزرگی کرده و به نتیجه مطلوب میرسه و اون چیزی نیست جز خودکفایی و...» آیا این‌ها گفت‌وگوهای یک سریال سرگرم‌کننده تلویزیونی است؟ چه فرقی با مصاحبه‌های رسمی سیاسیون یا متن‌هایی که گوینده خبر آنها را با جدیت از روی کاغذ می‌خواند دارد؟ اصلاً سریال سرگرم‌کننده تلویزیونی جای شعارهای سیاسی است؟ مگر رسالت فیلم و سریال، دراماتیزه کردن مسائل مختلف نبود؟! تکلیف مخاطبانی که در شب‌های بلند تابستان، دنبال سرگرم شدن هستند چه می‌شود؟



«گاندو» می‌توانست بی‌نقص باشد، اگر چند نکته را رعایت می‌کرد

نکاتی برای فصل دوم

«گاندو» در عین موفقیت در جذب بیننده، نقاط ضعفی داشت که قابل انکار نیست. از آنجا که ساخت مجموعه‌های تلویزیونی در نوع جاسوسی، روندی پرسابقه در سیمای جمهوری اسلامی نیست، بنابراین گوشزد کردن این نقاط ضعف، می‌تواند به کیفیت تولیدات بعدی در این گونه‌نمایشی کمک شایان توجهی کند. در صفحه قبل، نقاط قوت «گاندو» را خواندید، برای آن‌که یک طرفه به قاضی نرفته باشیم، درباره نقاط ضعف سریال هم نوشتیم.

فرهاد قائمیان روی دور تکرار



درباره گروه بازیگری «گاندو» که یک نقطه قوت سریال محسوب می‌شود، در صفحه قبل نوشتیم. اما انتخاب بازیگران این سریال، یک نقطه تاریک دارد: فرهاد قائمیان. ظاهراً اولین انتخاب سینماگران برای آثار دو گونه جاسوسی و پلیسی، فرهاد قائمیان است! شکی نیست که قائمیان بازیگر توانمندی است، اما حضور مداوم وی در آثار مشابه، او را برای علاقه‌مندان این دو گونه نمایشی تکراری کرده است. در سال‌های اخیر، فیلم سینمایی «بادیگارد» و سریال‌های تلویزیونی «تعبیر وارونه یک رؤیا»، «گشت پلیس»، «تاریکی شب، روشنایی روز» و «گاندو» که در گونه‌های مشابه ساخته شده‌اند، از حضور او بهره برده‌اند.

اشکالات منطقی فیلمنامه

منطق داستانی بعضی از اتفاقات سریال «گاندو»، دچار اشکال جدی بود. مثلاً برج ۲۰ طبقه محل اقامت مایکل، یک آسانسور داشت! پرده پنجره‌های خانه مایکل به

عنوان یک جاسوس، همیشه باز بود و به طرز عجیبی اجازه داده بود نیروهای امنیتی روی این خانه مسلط شوند. گاهی تکنیک‌های به‌کاررفته توسط مأموران امنیتی و همچنین جاسوس، منطقی نبود. به طور مثال در لحظه دستگیری مایکل و بقیه جاسوس‌ها، کسانی که می‌خواستند مایکل را بکشند، به شکلی غیرقابل باور دستگیر شدند. بعلاوه فرآیند تعقیب و مراقبت در تمام سریال در سطحی پایین اجرا شده و حرفه‌ای جلوه نمی‌کرد. بسیاری از جاسوس‌ها در طول سریال، بارها توسط یک مأمور امنیتی در مسافت طولانی تعقیب شدند، با خودروهایی تکراری. نکاتی از این دست در «گاندو» فراوان بود.

چه سازمان امنیتی خلوتی!



یکی از انتقاداتی که در زمان پخش سریال هم درباره «گاندو» زیاد گفته می‌شد، آن بود که تقریباً همه کارهای پرورده را همین پنج جوان گروه مأموران امنیتی سریال انجام می‌دادند؛ شامل همه عملیات‌های تعقیب و مراقبت، شنود، دستگیری و... می‌دانیم پیشبرد این اقدامات توسط شخصیت‌های اصلی، یک الزام دراماتیک است، اما این نکته نباید توی ذوق مخاطب بزند. «گاندو» طوری این سازمان امنیتی را به تصویر کشیده بود که گویی فقط همین ۵-۶ نیرو دارد!

ارجاعات بحث برانگیز

«گاندو» در ۳۰ قسمت خود بارها به بعضی از رویدادهای واقعی ارجاع داد، مثل شهادت شهید طهرانی مقدم و یا خواهرزاده آن مقام مسؤول. در مورد اول، آنچه «گاندو» ادعا کرد، ترور بود ولی مسؤولان سپاه از جمله سردار حاجی‌زاده بارها این تلقی را زیر سؤال برده‌اند. درباره خواهرزاده آن مقام مسؤول هم بعد از اتهاماتی که زده شد، گفته شد وی خواهرزاده ایشان نبوده و هیچ نسبت فامیلی نیز بین آنها نیست. این نکته نیز با ادعای سریال تعارض دارد. عوامل «گاندو» هیچ‌گاه درباره این مسائل شفاف‌سازی نکردند.

مرجان کجاست؟

یکی از شخصیت‌های اصلی نیمه اول